



شهادت اولین شهید محراب ، آیت الله اسد الله مدنی در سال 1360 هجری شمسی

آیت الله سید اسدالله مدنی در سال 1293 هجری شمسی در شهر دهخوارقان (آذر شهر) متولد شد ...

آیت الله سید اسدالله مدنی در سال 1293 هجری شمسی در شهر دهخوارقان (آذر شهر) متولد شد . در دوران جوانی به قم عزیمت کرد و پس از گذراندن درسهایی مقدماتی حدود چهار سال به تحصیل درس منقول در محضر امام مشغول شد . پنج سال بعد به نجف اشرف عزیمت و تدریس و تحصیل خود را در آنجا شروع کرد ، در درسهایی مرحوم آیت الله العظمی سید عبدالهادی شیرازی ، مرحوم آیت الله العظمی سیدمحسن حکیم و آیت الله العظمی آقای حاج سید ابوالقاسم خوئی دام ظلّه العالی شرکت می کرد .

وی اولین کسی بود که در جریان انقلاب سال 42 شمسی مردم بپاخاسته کشورمان در نجف از امام تبعیت کرد ، و در انتشار تلگرام آیت الله حکیم به همین مناسبت نقش بسزائی داشت در زمان حکومت عبدالناصر تحت نظر ایشان عده ای از علمای نجف برای افشاگری چهره طاغوت در ایران به امر امام جهت تدریس علوم دینی به خرم آباد رفت و حوزه علمیه کمالیه در آنجا به تلاش و کوشش ایشان تاسیس شد .

سپس بر اثر فعالیتهایی علیه رژیم منحوس پهلوی به نور آباد ممسنی و گنبد کاووس ، بندر گنگان و مهاباد تبعید شد و با اوجگیری انقلاب عظیم مردم مسلمان ایران به قم بازگشت .

بعد از پیروزی انقلاب به دعوت مردم همدان به این شهر عزیمت کرد و به لحاظ حساس بودن اوضاع آذربایجان به امر امام به تبریز عزیمت نمود . آیت الله سید اسدالله مدنی از سوی مردم همدان به نمایندگی مجلس خبرگان انتخاب شد و بعد از شهادت آیت الله سید محمد علی قاضی طباطبائی از سوی امام خمینی به سمت امام جمعه و نماینده امام در تبریز منصوب شد .

وی تا وقت شهادت در این پست به امور مردم رسیدگی می کرد . از خصوصیات بارز آیت الله سید اسدالله مدنی اعتقاد عمیق ایشان به اعلیت امام و برپائی نمازهای شبانه بود که در اثنای این عبادات همیشه شهادت را از خداوند طلب می کرد . از این شهید گرانقدر پنج فرزند دختر و یک پسر بجای مانده است . وی در 12 ذیقعد الحرام 1401 هجری قمری روز جمعه در میعادگاه عاشقان الله (نماز جمعه) به شهادت رسید .

دوران مبارزات :

سید اسدالله مدنی از دوران جوانی به اهدافی متعال می اندیشید و همان گونه که در بعد علمی نردبان ترقی و کمال را پیمود و به اجتهاد نایل آمد ، در اوضاع نابهنجار نیز در کنار مردم قرار گرفت . ایشان پیش از نهضت سال 1342 ه ش در ایران با فرقه های گمراه در ستیز بود و پس از پیروزی انقلاب نیز همگام با امام خمینی (ره) در دلش آتش تلاش و مجاهده شعله ور بود .

ستیز با بهائیت :

بذر بدفرجام بهائیت در کشورهای اسلامی به دست استعمارگران انگلیسی پاشیده شد و نهال آن در دامن کج اندیشان پرورش یافت . دستهای پنهان این مسلک را در ممالک اسلامی بویژه شیعه نشین رواج دادند و با ورود فرهنگ بیگانه و بازگشت روشنفکران غربزده از پرورشگاه خود نفوذ این کیش ضد مذهب به اوج خود رسید .

رضاخان و عاملان دیگر غرب در ایران برای کوبیدن اسلام خصوصا مکتب حیات بخش تشیع به ترویج کنندگان مرام بهائیکری میدان دادند به طوری که در اندک زمانی سرمایه داران بهایی در آذربایجان بویژه مناطق اطراف تبریز بر صنایع عظیم استان از جمله کارخانجات برق مسلط شدند . قبضه کردن شریانهای اقتصادی روزه روز کارگران شیعه شاغل در این مرکز را با شبهات فکری و عقیدتی مواجه می ساخت . آیت الله مدنی که در این ایام در حوزه علمیه قم مشغول درس و بحث علمی بود این آشفتگی اوضاع منطقه را تاب نیاورد و بی درنگ روانه زادگاه خود شد و با عشق و ایمان به مکتب و قلبی آکنده از خشم به دشمن مبارزه اش را بر ضد بهائیت آغاز کرد .

آقای بروجردی می گوید : ایشان احساس می کند که زادگاه اصلی (شهر آذر) در خطر محاصره اقتصادی فرقه ضاله بهائیت یعنی این مسلک ومرام استعماری صهیونیستی قرار گرفته ، مراکز حساس شهر مانند کارخانه تولید برق و غیره به دست آنها افتاده است . لذا با بیانات آتشین خود مردم را علیه آنان بسیج می کند تا آنجا که مصرف برق آنها را تحریم می کند و مردم از چراغهای نفتی استفاده می کنند . از این مهم تر آذرشهر که نزدیک به تبریز واقع شده است در آن زمان مقدار زیادی از نان تبریز را تامین می کرد به دستور آن بزرگوار مردم از فروش نان و مایحتاج زندگی به این فرقه گمراه خودداری می کنند و آنان مجبور می شوند از این شهر مذهبی و

اسلامی کوچ کنند . به این ترتیب تب مبارزات ضدبهایایی بالا می گیرد . تمام این حوادث از طرف شهربانی وقت پیگیری می شود و شهید مدنی تنها عامل همه تحریکات ضد بهائی شناخته می شود . در نتیجه او را به همدان تبعید می کنند . ولی قیام معظم له به ثمر می رسد . مردم دست از ادامه مبارزه برنمی دارند و سرانجام این شهر مذهبی را از لوٹ این فرقه استعماری صهیونیستی نجات می دهند .

نهضت سال 42 :

جرقه انقلاب اسلامی ایران در سال 1342 ه ش زده شد . دشمن امام خمینی (ره) را دستگیر و مدتها او را دور از شهر قم تحت نظر قرار داد . آنها توطئه غیرمذهبی جلوه دادن قیام و اعدام حضرت امام (ره) را در سر می پروراندند . در این روزها آیت الله مدنی از استادان نامی حوزه علمیه نجف اشرف به شمار می رفت که از دستگیری امام اطلاع پیدا کرد و به عمق فاجعه و توطئه دشمنان پی برد . کلاسهای درس و بحث خود را تعطیل کرد و به سوگ شهدای نهضت ایران نشست و با ترتیب دادن مجالس متعدد چهره کربیه حکومت وقت ایران را در حد توان شناساند و توطئه دشمن را در انحراف اذهان عمومی از اسلامی بودن انقلاب ناکام گذاشت .

هنگامی که در سال 1342 حرکت عظیم مردم مسلمان ایران به رهبری حضرت امام خمینی در جهت سرنگونی رژیم طاغوت آغاز شد . آیت الله مدنی نخستین کسی بود که در نجف به ندای 171#&؛ هل من ناصر ینصرنی &؛ امام لبیک گفت و با تعطیل کردن کلاسهای خود در نجف و تشکیل مجالس سخنرانی در جهت افشای چهره پلید رژیم مزدور پهلوی گام برداشت . وی در این زمان در نجف سردمداران جریان دفاع و پشتیبانی از نهضت امام به شمار می آمد و وقایع ایران را برای طلاب بیان می کرد . از آن شهید بزرگوار چنین نقل شده است که : من علما را درمسجد هندی جمع کردم . صحبت کردم که به داد اسلام برسید . از آقایان علما تقاضا کردم همچنان بگفتم : شنیدیم امام را گرفته اند پس با یک عده از طلاب برای دیدن مرحوم آیت الله حکیم رضوان الله تعالی علیه رفتیم ایشان در نجف نبودند ، به کربلا رفتیم و دستشان را بوسیدیم و گفتیم آقا امروز آقای خمینی مظهر اسلام است . گفتند : باشد هر چه بگوییم می کنیم . گفتیم : اقدام کنید و ایشان تلگراف زدند به شاه . در روزهای سخت در پشتیبانی از امام مخصوصا پس از سخنرانی مهم و افشاگرانه در رد کاپیتولاسیون توسط امام خمینی (ره) شهید آیت الله مدنی از جمله کسانی بود که لحظه ای از پشتیبانی رهبر و مراد خود دریغ نکرد .

پیام امام خمینی (ره) به مناسبت شهادت آیت الله مدنی تبریزی شهید محراب

بسم الله الرحمن الرحيم ، انالله و انالیه راجعون

با شهید نمودن یک تن دیگر از ذریه رسول الله و اولاد روحانی و جسمانی شهید بزرگ امیرالمؤمنین (ع) (سند جنایت منحرفان و منافقان به ثبت رسید .

سید بزرگوار و عالم عادل عالی قدر و معلم اخلاق و معنویات ، حجت الاسلام و المسلمین شهید عظیم الشان مرحوم حاج سید اسدالله مدنی رضوان الله علیه ، همچون جد بزرگوارش در محراب عبادت به دست منافقی شقی به شهادت رسید . اگر با به شهادت رسیدن مولای متقیان اسلام محو و مسلمانان نابود شدند ، شهادت امثال فرزند عزیزش شهید مدنی هم آرزوی منافقان را بر آورده خواهد کرد .

اگر خوارج سیاه بخت از شهادت ولی الله الاعظم طرفی بستند و به حکومت رسیدند ، این گروهکهای خائن نیز به آمال خبیث خود که سقوط حکومت اسلام و برقراری حکومت آمریکایی است می رسند . آنان لعنت خدا و رسول و ننگ ابدی را برای خود و اینان عذاب ابدی خدا و نفرت و لعنت قادر متعال و امت اسلام را برای خود و هم پیمانان و اربابان خونخوار خویش به بار آوردند . ملت بزرگ و روحانیت معظم چون صفی مرصوص ایستاده اند که هر پرچمی از دست توانای سرداری بیفتد سردار دیگری آن را برداشته و به میدان آید و با قدرت بیشتر در حفظ پرچم اسلامی به کوشش برخیزد . شهید مدنی با شهادت مظلومانه خود ضد انقلاب و منافقین ضد اسلام را بکلی منزوی کرد . این چهره نورانی اسلامی عمری را در تهذیب نفس و خدمت به اسلام و تربیت مسلمانان و مجاهده در راه حق علیه باطل گذراند و از چهره های کم نظیری بود که به حد و افر از علم و عمل و تقوی و تعهد و زهد و خودسازی برخوردار بود .

به شهادت رساندن چنین شخصیتی به تمام معنی اسلامی همراه با تنی چند از فرزندان اسلام و یاران باوفای انقلاب اسلامی در میعادگاه نماز جمعه و در حضور جماعت مسلمین جز عناد با اسلام و کمر بستن به محو آثار شریعت و تعطیل جمعه و جماعت مسلمین توجیهی ندارد .

اگر تا امروز برای جنایتها و شرارتهای خود بهانه های بی پایه ای می تراشیدند ، در شهادت این عالم متقی که جز درباره خدمت به اسلام و مسلمانان نمی اندیشید بهانه ای جز انتقام از اسلام و ملت شریف نمی توانند بتراشند . انتقام از اسلام که آن را اساس سقوط دستگاههای جبار و شکست ابرقدرتها در ایران و پس از آن در منطقه می بینند و از ملت قدرتمند که پشت بر آنان نموده و کاخهای آمال و آرزوی آنان را در هم کوبیده و تمامی آنانرا از صحنه تا ابد بیرون رانده است می گیرند .

مردم رزمنده ایران و خصوص مردم غیرتمند آذربایجان که چنین روحانی متعهد و معلم عالی قدری را از دست داده اند و حریف شکست خورده خود را می شناسند ، با عزمی جزم و اراده ای خلل ناپذیر انتقام خود را از آنان می گیرند .

اینجانب ، شهادت این مجاهد عزیز عظیم و یاران باوفایش را به پیشگاه اجداد طاهرنش ، خصوصاً بقیه الله - ارواحنا الفدا - و به ملت مجاهد ایران و اهالی غیور و شجاع آذربایجان و به حوزه های علمیه و به خاندان محترم این شهیدان تبریک و تسلیت می گویم

خط سرخ شهادت ، خط آل محمد (ص) و علی (ع) است و این افتخار از خاندان نبوت و ولایت به ذریه طیبه آن بزرگواران و به پیروان خط آنان به ارث رسیده است .

درود خداوند و سلام امت اسلام بر این خط سرخ شهادت و رحمت بی پایان حق تعالی بر شهیدان این خط در طول تاریخ و افتخار و سرافرازی بر فرزندان پرتوان پیروزی آفرین اسلام و شهدای راه آن و ننگ و نفرت و لعنت ابدی بر وابستگان و پیروان شیاطین شرق و غرب خصوصا شیطان بزرگ آمریکای جنایتکار که با نقشه های شیطانی شکست خورده خود گمان کرده ملتی را که برای خداوند متعال و اسلام بزرگ قیام نموده و هزاران شهید و معلول تقدیم نموده با این دغل بازیها می تواند سست کند و یا از میدان به در برد .

اینان پیروان سید شهیدانند که در راه اسلام و قرآن کریم ، از طفل شش ماهه تا پیرمرد هشتاد ساله را قربان کرد و اسلام عزیز را با خون پاک خود آبیاری و زنده نمود .

ارتش و سپاه و بسیج و سایر قوای مسلح نظامی و انتظامی و مردمی ما پیرو اولیایی هستند که همه چیز خود را در راه هدف و عقیده فدا نموده و برای اسلام و پیروان معظم آن شرف و افتخار آفریدند . از خداوند تعالی عظمت اسلام و مسلمین و رحمت برای شهیدان خصوصا شهدای اخیرمان و بالخصوص شهید عزیز مدنی معظم و سلامت کامل برای مجروحین این حادثه و صبر و استقامت برای ملت بزرگ خصوصا آذربایجانیهای عزیز و بازماندگان شهیدان خواهانم . سلام و درود بر همگان .

والسلام علی عبدالله الصالحین ،

روح الله الموسوی الخمینی

21 شهریور 1360